

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

هوَالْفَتْحِ الْعَلِیْمِ

امام زمان مقتدای امکان حقیقتی ازلی در بلندای ابدی

اثر: دکتر سید امیر محمودانوار

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۳۷۱ تا ۳۸۳)

چکیده:

خوش آنکه برفکنی از رخت نقاب امشب

به ناز دل بر باری زشیخ و شاب امشب

مهدی موعود و هادی جهان موجود، حقیقتی است انکارناپذیر، که از
دیرباز ازل، در بلندای لم یزل، قلم قضای الهی، جمال با کمال بی مثالش را
با جوهر نور و فروغ برتر زهور، بر صفحات عوامل وجود، و دفتر ملک
خلود نگاشته:

در انتظار روی چو ماهت نشسته‌ایم دل در کمند زلف سیاه تو بسته‌ایم
کتب الهی، چون زبور داود و تورات و انجیل و دادنگ و سنده
ظهورش را مژده داده‌اند و چینیان و مصریان و هندیان و مانویان و
زردشتیان و یهودیان و صالحیان و نوحیان و عیسویان و دیگران به ظهورش
اعتقاد دارند. در قرآن کریم و احادیث نبوی و سخنان دُرر بار علوی، در
وصف ظهور حضرتش اشارات و بشاراتی گرانقدر است.

مژده ای دل که مسیحا نفسی می‌آید که زانفاس خوشش بوی کسی می‌آید

واژه‌های کلیدی: امام زمان، مقتدای امکان، ادیان، قرآن.

مقدمه:

سبحان ذی الملك والملكوت ، سبحان ذی الجود و الجبروت

سبحان ذی الکبرياء و العظمت ، سبحان الحی الذی لایموت

خوش آنکه بر فکنی از رخت نقاب امشب

به ناز، دل بر بایی ز شیخ و شاب امشب

خوش آندمی که ببینم جمال روی ترا

فکنده از رخ زیبای خود نقاب امشب

کتاب حُسن تو خوانم ز نور ماه رُخت

چه جای درس و قلم دفتر و کتاب امشب

کجاست ساغر می تا زیاده لب تو

زنیم جامی و بر هم زنیم خواب امشب

کجاست لشکر اندوه و غم بگو انوار

گریزد از بَرِ ما و کند شتاب امشب

«از نگارنده مقاله»

مهدی موعود و هادی جهان موجود، حقیقتی است انکارناپذیر، که از دیر باز

ازل، در بلندای لم یزل قلم قضای الهی، جمال با کمال بی مثالش را، با جوهر نور و

فروغ برتر زهور، بر صفحاتِ عوالم وجود و دفتر ملک خلود نگاشته، و عِلْمِ هدایت

او را برافراشته است.

ای مهدیّ خدا، و هادی اهل هدی، ای صاحبِ زمان و حجّت و قائم هر دو

جهان، ای صاحب امر وای مُنتَظَر زید و عمرو وای برده از دل‌های عالمیان شکیب و صبر،

در انتظار روی چو ماهت نشسته‌ایم

دل در کمند زلف سیاه تو بسته‌ایم

امام زمان مقتدای امکان حقیقتی ازلی در بلندای ابدی / ۳۷۳

در جلوه‌گاه عشق به پایت فتاده‌ایم
چون خار غم به گلبن حُسن نشسته‌ایم
مرهم پنه به تابش خود جان خسته را
دارو بنه به دل که همه دل شکسته‌ایم
از پشت ابر، پرتو انوار مهر خویش
از مامکن دریغ که تاریک و خسته‌ایم
«از نگارنده مقاله»

تو آن مصلح بزرگ جهانی که در بلندای تاریخ بشری، هرکس به طریقی سخن
وصف تو گفته و در فراق سنگ سراجۀ دل به الماس آب دیده سفته است.
تنها نه من به خال لب مبتلی شدم بر هرکه بنگری به همین درد مبتلاست
زیرا:

چینیان و مصریان و هندیان	مردمان از دیرباز این جهان
مانوی، زردشتیان و موسوی	صالحی و نوحیان و عیسوی
دین میترائی و مکزیکی و هود	دین اسکاندیناوی و هرکه بود
بر تو ایمان آوریده هر زمان	دل به عشقت باخته خرد و کلان

«از نگارنده مقاله»

در کتاب زبور داود که جزو تورات و انجیل به چاپ رسیده است، جهانیان را
بوجود مصلحی بشارت می‌دهد که از دریا تا دریا داد کند و به اقتضای جهان
حکمرانی نماید و همه امتهای جهان او را بندگی کنند و جودش برای عالمیان برکت
است و این گفته‌ها همه با معتقدات شیعه مطابق است.

با امام انس و جان مهدی و هادی وجود
قاب قوسین فنا را جوبه رهپیمای عشق
اوست بینای دو عالم زنده در حی بصیر
دیده جان را فروغی بخش با بینای عشق

اوست شنوای دو عالم، زنده در حیّ سمیع
سمع یزدان گشته و گوش دل شنوای عشق
اوست گویای دو عالم، زنده در حیّ مجیب
گوش دل را ده به آهنگ لب گویای عشق
یا سمیع و یا بصیر و یا قدیم و یا عظیم
گو و شبها را بگیر احیا، تو در احیای عشق
یا حبیب و یا مجیب و یا عزیز و یا جلیل
گوی و پیشانی بنه بر مسجد الاقصای عشق
یا کبیر و یا قدیر و یا ولیّ و یا نصیر
گوی و بشنو رجعی از اسوه کبرای عشق
یا دلیل و یا قبیل یا مُدیل و یا مُنیل
را بگوی و ره بجو تا قلّه علیای عشق
عشق را بنگر به پهنای فضا با چشم عشق
تا ببینی جمله عالم را تو در آسمان عشق
عشق محبوبان همه بوئیست از صهبای عشق
لیلی و مجنون و اسما، مظهر سلمای عشق
ذات حق مهر سماواتست و أنوار خلود
دل بنه بر خاک عشق و جان بده در پای عشق
«از نگارنده مقاله»
در باب ۱۲ از کتاب ارمیای تورات، از جنگی جهانی و سراسری سخن رفته
است، که قبل از ظهور مُصلحی بزرگ رخ می دهد و برای کسی آسایش و ایمنی
نمی گذارد. سپس پادشاهی عادل می آید و روی زمین را مالک می شود و عالم را بعد
از آنکه دو سوم از اهلش نابود شده اند اصلاح می کند.
از علامه بروجردی مؤلف کتاب نورالأنوار از کتاب دادنگ از کتابهای پراهمه و

کتاب جاماسب زرتشتیان و بعضی از فصول انجیل مانند مکاشفات یوحنا و کلمات متی و کتاب سندرۀ عیسویان نقل شده که در آخرالزمان، پس از آنکه جهان پر از ظلم و جور شد و از اسلام بعثت فسق عالمیان و ظلم ظالمان و حسد حاسدان جز نامی نماند، پادشاهی که از اُمّت و نسل حضرت محمّد (ص) است ظهور می‌کند و مشرق و مغرب عالم را می‌گیرد و عصای موسی و انگشتر و دیهیم سلیمان با او خواهد بود. (با تصرف از کتاب چهارده معصوم، اثر عمادالدین حسینی اصفهانی، ۱۳۳۰ ش)

در انجیل متی در وصف ظهور حضرتش آمده است «فرزند انسان می‌آید، چون برق که از مشرق بیرون می‌آید و تا مغرب ظاهر می‌گردد. در آن هنگام نشانه ظهور فرزند انسان بر فلک آشکار خواهد شد و فرزند انسان را بر ابرهای آسمان خواهند دید که با قدرت و جلالی عظیم می‌آید و فرشته‌های خود را با صور بلند آواز می‌فرستد و آنها برگزیدگانش را از چهار سوی دور دستهای فلک فراهم می‌آورند. دست بدکاران از حکومت زمین قطع می‌گردد و متوکلان به خدا وارث زمین خواهند شد. خداوند روزهای حکومت صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد بود متبرّکان خداوند وارث زمین خواهند شد. اما لعنت شدگان وی دستشان کوتاه خواهد گردید. صدّیقان «راستگویان و درستکاران» وارث زمین می‌شوند و تا ابد در آن ساکن می‌گردند.

در کتاب اشعیاء درباره ظهور امام زمان (ع) آمده است:

کیست آنکه، کسی را از مشرق برانگیزد که عدالت او را نزد پایهای وی می‌خواند، امّتها را به وی تسلیم می‌کند و او را بر پادشاهان مسلط می‌گرداند و ایشان را مثل غبار به شمشیر وی و مثل کاه که پراکنده می‌گردد به کمان وی تسلیم خواهد نمود (باب ۴۱)

گرگ و بره با هم خواهند چرید و شیر مثل گاو، کاه خواهد خورد.
گرگ با بره سکونت خواهد داشت، پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند و گاو با خرس خواهد چرید

و بچه‌های آنها با هم خواهند خوابید. (باب ۱۱)

قرآن کریم خود مصدق این گفته‌هاست که در آیه ۱۰۵ از سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید:

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ و در آیه بعد می‌فرماید: «إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَابِدِينَ» که در حقیقت تأکید و هشدار برای مضمون آیه فوق است.

پیش از اسلام یهودیان و مانویان و عیسویان به ظهور نجات دهنده‌ای که سرانجام می‌آید و جهان را از عدل و داد سرشار می‌کند قائل بودند و اقوام یهودی و عیسوی قائل به ظهور حضرت عیسی (ع) بوده‌اند و زردشتیان به ظهور سُوشیانس پسر زردشت.

البته ظهور این منجیان را بعد از حوادثی ناگوار می‌دانند مثلاً یهودیان قائلند که قوم شرور یا جوج و مأجوج می‌آیند و عیسویان قائلند که ازدها یا جانوری یوحنایی بنام آپکالیپس و پیمبر دروغگو و دروغین زردشتیان قائلند که مار ضحاک که همان آنتچریست مسیحیان و دجال مسلمانان است پدید می‌آید و جهان را به فساد می‌کشد (با تصرف و اقتباس از کتاب مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالأنوار علامه مجلسی، مترجم استاد علی دوانی) اما اگر به دیده تحقیق بنگریم تفسیر من یَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ و من یَعْمَلُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ آن است که زمانی فرا می‌رسد که درست بر سر ظالم آن می‌آید که با مظلوم رفته است. پس باید ظالمان دوباره زنده شوند و مظلومان به یاری قوای الهی و مظهر خلیفه‌اللّهی که آن هم جز امام زمان علیه‌السلام نیست داد خود از ظالمان و بیدادگران بگیرند و به ایشان ضربه‌هایی را زنند که روزی عین آن را خورده‌اند.

تا زند بال بر سرکویت	بال بگشوده مرغ جان سویت
سرکشیده زدیدگان سویت	دل که مشتاق دیدن رخ توست
تا ببیند به یک نظر رویت	پرده یکسو کن از فروغ جمال

نیست در حلقه صفا کیشان دل ما جز به حلقه مویت
سر نهادیم در وفا پیشت تا زنی با دو تیغ ابرویت
نیست انوار را جز این خواهش
که ببیند جمال دلجویت

«فراقیه از نگارنده مقاله»

از روایات **أهل بیت علیهم السلام** چنین استفاده می شود که در قرآن کریم حدود ۶۳ مورد به ظهور حضرت امام زمان اشارت رفته است و تفاسیر عالقدر شیعی آنها را برشمرده اند. مثلاً **علی بن ابراهیم قمی** این موارد و آیات را این گونه یاد کرده است.

۱- **وَلَمَّا أَخْرَجْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَّيَقُولُنَّ مَا يَحْبِسُهُ، أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسٌ مَّصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ.** که عبارت **مَا يَحْبِسُهُ** به «مانع ظهور امام زمان چیست؟» تفسیر و تأویل شده است و بقول حضرت **علی (ع)** مقصود از **أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ**، اصحاب حضرت امام زمان هستند که بالغ بر سیصد و سیزده نفر می گردند.

۲- **وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ، إِلَى النُّورِ وَذَكَرَهُمْ بِآيَاتِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ** که ایام الله را به «سه روز ظهور امام زمان (ع) و روز مرگ همه ماسوی الله و روز قیامت مردگان و رستاخیز ایشان» تأویل کرده اند و به قول **لسان الغیب حافظ شیرازی**:

ز آتش وادی ایمن نه منم خرم و بس موسی اینجا به امید قبسی می آید
۳- **وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا، فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدُ اللَّهِ مَفْعُولًا، ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا، إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا، فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ**

الْآخِرَةَ لَيْسُودَ أَوْجَهَكُمْ وَ لِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ لِيَتَبَرَّوْا مَا عَمَلُوا
تَبِيْرًا، عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَزَحْمَكُمْ وَ إِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا كَمَا مَقْصُودٌ مِنْ عِبَادَاتِنَا أَوْلَىٰ بِأَسِي
شدید حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام و یاران اوست که به قلعه‌های خیبر
حمله بردند و حضرتش در خیبر را از جا کند و به قول دانشمند و عارف و شاعر
معاصر شادروان سید محمد حسین انوار در شرح منظوم بر قصیده تائیه دعبل بن
علی خزاعی:

زخیبر که در کند و خیبر گشود؟ که انگشتری داد وقت سجود؟
که سر از تن عمرو بن عبدود بپای پیمبر در افکنده بُد؟
به قول اینجانب نگارنده مقاله در شرح منظوم بر خطبه ارجمند حضرت سجاد
(ع) در مجلس یزید:

که زد عمرو بن عبدود را به تیغ؟ زمرحب فرو ریخت خون همچو میخ؟
نبرد هوازن به دست که بود که والعیاذاتش به مردی ستود
که یکتن اُحد را به مردی شکافت به یاری پیغمبر حق شتافت
علی بود و شمشیر دو پیکرش ولی خدا بود و پیغمبرش
و مقصود و تاویل اِنْ عُدْتُمْ عُدْنَا آن است که: اگر دوباره به ظلم و فساد خود
ادامه دهید، دولت حق نیز با ظهور حضرت امام زمان (ع) برپا خیزد و خون
ظالمان را ریزد. محدثان و مورخان سنی و شیعه از پیامبر اکرم و ائمه علیهم السلام
احادیث و روایاتی راجع به ظهور حضرت امام زمان (ع) نقل کرده‌اند که در آنها از
خصال گوناگون حضرتش یاد شده است و در این مقاله به بعضی از آنها اشارت
می‌کنیم:

حضرت امام رضا (ع) از حضرت علی (ع) و ایشان از پیمبر اکرم (ص) نقل
می‌فرمایند که لَا تَدْهَبُ الدُّنْيَا حَتَّىٰ يَقُومَ بِأَمْرِ أُمَّتِي رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ يَمْلَأُهَا
عَدْلًا كَمَا مَلَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.

و باز پیمبر اکرم (ص) فرموده است که: الْمَهْدِيُّ مِنْ وُلْدِي اسْمُهُ إِسْمِي وَ كُنْيَتُهُ

كُنَيْتِي، أَشْبَهُ النَّاسَ بِي خَلْقًا وَ خُلُقًا، تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ تَضِلُّ فِيهِ الْأُمَمُ ثُمَّ يُقْبَلُ
كَالشَّهَابِ الثَّاقِبِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مُلِثَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا

مژده ای دل که مسیحا نفسی می آید

که زانفاس خوشش بوی کسی می آید

از غم هجر مکن ناله و فریاد که دوش

زده ام فـالـی و فریاد رسی می آید

زآتش وادی اَیْمَنَ نه منم خرم و بس

موسی اینجا به امید قبسی می آید

هیچکس نیست که در کوی تو اش کاری نیست

هرکس آنجا به طریق هوسی می آید

کس ندانست که منزلگه معشوق کجاست

اینقدر هست که بانگ جرسی می آید

«لسان الغیب حافظ شیرازی»

حضرت مولی الموحدين وكهف الزاهدين و مَلَجًا الْعَابِدِينَ وَ وَاكْلِيلُ الْعَارِفِينَ
أَسَدُ اللَّهِ الْغَالِبِ عَلَيَّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرَبَارَهُ حَضْرَتِ مَهْدِيِّ وَ ظَهْرِ شَانِ
فَرْمُودَهُ اسْت: فَآذَا كَانَ ذَلِكَ ضَرَبَ يَعْسُوبُ الدِّينِ بِدَنْبِهِ فَيَجْتَمِعُونَ إِلَيْهِ كَمَا يَجْتَمِعُ
قُرْعُ الْخَرِيفِ. (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، اثر علامه حبیب اللہ ہاشمی خوئی، ترجمہ و شرح

نهج البلاغه، حاج سید علی نقی فیض الإسلام، ص ۱۱۹۲)

یعنی: چون زمان جهان بپایان رسد و پیشوا و رهبر پرچم دین استوار سازد و
یارانش چون ابرهای پاییزی گردش فراهم آیند.

و در فصل سوم از خطبه غزاء ۱۸۱ که در فصل اول آن فرموده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ مَصَائِرُ الْخَلْقِ وَ عَوَاقِبُ الْأُمْرِ، نَحْمَدُهُ عَلَى عَظِيمِ إِحْسَانِهِ وَ
نَيِّرُ بُرْهَانَهُ وَ نَوَاحِي فَضْلَهُ وَ اِمْتِنَانَهُ، حَمْدًا يَكُونُ لِحَقِّهِ قِضَاءً وَ لَشُكْرِهِ اَدَاءً.

درباره صفات حضرت امام زمان (ع) فرماید:

قَدْ لَبِسَ لِلْحِكْمَةِ جُنَّتَهَا وَأَخَذَهَا بِجَمِيعِ أَدْبِهَا، مِنَ الْإِقْبَالِ عَلَيْهَا، وَالْمَعْرِفَةِ بِهَا،
وَالْتَفَرُّغِ لَهَا، وَهِيَ عِنْدَ نَفْسِهِ ضَالَّتُهُ الَّتِي يَطْلُبُهَا وَحَاجَتُهُ الَّتِي يَسْأَلُ عَنْهَا، فَهَوَّ
مُغْتَرِبٌ إِذَا اغْتَرَبَ الْإِسْلَامَ وَضَرَبَ بِعَسِيبِ ذَنْبِهِ وَأَلْصَقَ الْأَرْضَ بِجِرَانِهِ، بَقِيَّةٌ مِنْ
بَقَايَا حُجَّتِهِ، خَلِيفَةٌ مِنْ خَلَائِفِ أَنْبِيَائِهِ.

یعنی: بی شک امام زمان برای حفظ و پاسداری حکمت، سپر و زره آن را پوشیده و آداب آن را که عبارت است از روی آوردن و شناختن قدر و منزلت و پرداختن بدان، کسب کرده است و حکمت نزد حضرتش چون گم شده‌ای است که آن را می‌جوید و نیازی است که از آن می‌پرسد.

چون اسلام غریب گردد، آن حضرت غربت و غیبت می‌گزیند و از مردم کناری گرفته و چون شتری رنجیده دم می‌جنباند و سینه به زمین می‌چسباند. او بازمانده‌ای از حجت‌های خداست و جانشینی از جانشینان پیمبرانش. (منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، علامه خوبی)

حضرت علی علیه السلام درباره ظهور حضرت مهدی (ع) فرماید:

بَنِي إِذَا جَاءَتْ التُّرُكُ فَاِنْتَظِرْ وَلَايَةَ مَهْدِيٍّ يَقُومُ وَيَعْدِلُ
وَذَلَّ مُلُوكَ الْأَرْضِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ وَبُوعٍ مِنْهُمْ مَنْ يَلْدُ وَيَهْزُلُ
صَبِيٍّ مِنَ الصَّبِيَانِ لَأَرَأَى عِنْدَهُ وَلَا عِنْدَهُ جِدُّوْلَاهُ وَيَعْقِلُ
فَلَمَّ يَقُومِ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنْكُمْ وَبِالْحَقِّ يَا تَيْكُمُ وَبِالْحَقِّ يَعْمَلُ
سَمِيٍّ نَبِيِّ اللَّهِ نَفْسِي فِدَاؤُهُ فَلَاتَخْذُلُوهُ يَا بَنِيَّ وَعَجَّلُوا

(دیوان حضرت علی علیه السلام، محمد جواد نجفی)

لسان الغیب حافظ شیرین گفتار و گویای اسرار چه زیبا و دلربا سروده است.

زهی خجسته زمانی که بار باز آید

به کام غمزدگان غمگسار باز آید

به پیش خیلِ خیالش کشید ابلق چشم
بدان امید که آن شهسوار باز آید
اگر نه در خمِ چوگان او رود سر من
ز سر چه گویم و سرخود چه کار باز آید
دلی که با سر زلفین او قراری داشت
گمان مبر که در آن دل قرار باز آید
چه جورها که کشیدند بلبلان ازدی
ببوی آنکه دگر نوبهار باز آید

نتیجه:

در کتابهای اهل سنت موضوعهای زیر درباره حضرت امام زمان (ع) آمده است:
رفاه مردم در عصر مهدی (ع) - عدل مهدی (ع) - مهدی فرزند فاطمه (ع) است
مهدی برگزیده خداست - مهدی حسینی است - قریه‌ای که مهدی از آنجا قیام
می‌کند - رخسار نازنین مهدی - رنگ و اندام او - پیشانی مبارک او - وصف بینی او -
خال رخسار او - دندانهای او - صلاحیت پیشوایی او - خداوند او را به طور آشکار
برانگیزد - ابر بر سر او سایه افکند - مهدی خلیفه الله است - بالای سر مهدی
فرشته‌ای است - مژده پیمبر (ص) به ظهور مهدی - نام مهدی - کنیه مهدی - عدل
مهدی - خوی مهدی - بخشش مهدی - علم مهدی به سنت پیغمبر - آمدن مهدی با
پرچمها - آمدن وی از جانب مشرق - آمدن مهدی و تجدید عظمت اسلام - رفاه و
تنعم مسلمانان در عصر مهدی - مهدی یکی از سروران اهل بهشت است - سلطنت
مهدی - خلافت مهدی - با مهدی بیعت کنید - مهدی دل‌های مردم را با هم پیوند
می‌دهد - بعد از مهدی زندگی سودی ندارد - قسطنطنیه بدست مهدی فتح می‌شود
- مهدی بعد از پادشاهان ستمگر خواهد آمد - عیسی پشت سر مهدی نماز می‌گذارد
- مهدی با عیسی بن مریم سخن می‌گوید - عبدالله بن عباس از پیغمبر

روایت کرده است که فرمود: اُمّتی که من در اوّل آنها و عیسی بن مریم در آخر آنها و مهدی در وسط آنها باشیم هرگز هلاک نمی شود. (کتاب مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالانوار)

نظامی گنجوی آن شاعر حکیم و عارف نامی چه نیکو گفته و دُرّ معنی سفته است:

ای مدنی بُرَق و مگّی نقاب منتظران را بلب آمد نفس سوی عجم ران منشین در عرب مُلک بر آرای و جهان تازه کن سگّه تو زن تا امرا کم زنند ای تن تو پا کتر از جان پاک راهروان عربی را تو راه ای شب گیسوی تو روز نجات عقل شده شیفته روی تو لب بگشا تا همه شگر خورند ای گهر تاج فرستادگان هر چه زیگانه و خیل تواند ای نفست نطق زبان بستگان خاک ذلیلان بتو گلشن شود ما همه جسمیم بیا جان تو باش شحنه توئی قافله تنها چراست خیز و شب منتظران روز کن	سایه نشین چند بود آفتاب ای ز تو فریاد بفریاد رس زرده روز اینک و شبدیز شب هر دو جهان را پر از آوازه کن خطبه تو خوان تا خطبا دم زنند روح تو پرورده روحی فداک تا جوران عجمی را تو شاه آتش سودای تو آب حیات سلسله شیفتگان موی تو ز آب دهانت رطب تر خورند تاج ده گوهر آزادگان جمله در این خانه طفیل تواند مرهم سودای جگر خستگان چشم عزیزان بتو روشن شود ما همه موریم سلیمان تو باش قلب تو داری علم آنجا چراست طبع نظامی طرب افروز کن
---	---

منابع و مأخذ:

- ۱- غزل از نگارنده مقاله.
- ۲- ابیات از نگارنده مقاله.
- ۳- " " " " .
- ۴- " " " " .
- ۵- با تصرف از کتاب چهارده معصوم، اثر عمادالدین حسین اصفهانی، ج ۲، ص ۶۳۶ و ۶۳۷، طبع شرکت سهامی طبع کتاب، سال ۱۳۳۰ ش.
- ۶- با تصرف و اقتباس از کتاب مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالأنوار علامه مجلسی، مترجم علی دوان، طبع دارالکتب الاسلامیه، شیخ محمد آخوندی، طهران، بازار سلطانی، ص ۱۷۸-۱۷۹.
- ۷- غزل از لسان الغیب حافظ شیرازی.
- ۸- منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، اثر علامه حبیب الله هاشمی خویی، مکتبه اسلامیة، طهران بوذرجمهری، ص ۳۳۰ به بعد، ج ۲۱.
- ۹- منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، علامه خویی، ص ۳۴۷، ج ۱۰، ترجمه و شرح نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۵۸۶، ج ۳.
- ۱۰- دیوان حضرت علی(ع)، محمد جواد نجفی، کتابفروشی ادبیه ناصرخسرو، ص ۸۹.
- ۱۱- غزل از شمس الدین حافظ شیرازی، لسان الغیب.
- ۱۲- کتاب مهدی موعود، ترجمه جلد سیزدهم بحارالأنوار، ص ۲۹۰ تا ۳۰۰.
- ۱۳- دیوان کامل نظامی، انتشارات امیرکبیر، چاپخانه سپهر، چاپ سوم، اردیبهشت ۱۳۵۱.
- ۱۴- مخزن الاسرار، نعت سوم، ص ۲۳.